

جمال میرصادقی

عرق ریزان روح

توصیه‌هایی به نویسندگان جوان

به ضمیمه

واژه‌نامه اصطلاحات ادبیات داستانی



انتشارات نیلوفر

سرشناسه	: میرصادقی، جمال، ۱۳۱۲-
عنوان و نام پدیدآور	: عرق ریزان روح: نوصیه‌هایی به نویسندگان جوان به ضمیمه واژه‌نامه و اصطلاحات ادبیات داستانی / جمال میرصادقی.
مشخصات نشر	: تهران، نیلوفر، ۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری	: ۲۴۰ ص.
شابک	: 978-964-448-424-7
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا	
یادداشت	: کتابنامه به صورت زیرنویس.
یادداشت	: واژه‌نامه.
موضوع	: داستان‌نویسی.
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۸۸ ع ۴ م ۹ / PN ۳۲۵۵
رده‌بندی دیوبی	: ۸۰۸/۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۷۵۲۵۲۰



انتشارات بایرام خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، تلفن: ۶۶۴۶۱۱۱۷

جمال میرصادقی

عرق ریزان روح

حروف چینی: شبستری

چاپ اول: زمستان ۱۳۸۸

چاپ دیا

شمارگان: ۱۶۵۰ نسخه

حق چاپ محفوظ است.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۲۸-۴۲۴-۷

۴۵۰۰ تومان

عرق‌ریزان روح

۹	یادداشت
۱۳	یک . شناخت داستان
۱۶	دو . حادثه در داستان
۱۹	سه . باورپذیری
۲۲	چهار . نوشتن از دانسته‌ها
۲۶	پنج . حادثه‌های جالب
۳۱	شش . موضوع‌گرایی
۳۴	هفت . لذت‌بخشی، اطلاعات‌دهی
۳۷	هشت . طبیعت‌سرد داستان‌نویسی
۴۰	نه . نقل موضوع داستان
۴۴	ده . انواع داستان
۴۷	یازده . داستان واقع‌گرا (رنالیستی)
۴۹	دوازده . داستان‌های خیال و وهم (تمثیلی، نمادین، امپرسیونیستی، اکسپرسیونیستی...)
۵۳	سیزده . پیرنگ و انواع آن
۶۳	چهارده . جهان داستان، جهان واقع
۶۶	پانزده . ماندگاری آثار
۷۰	شانزده . انتخاب موضوع

هفده . صداقت	۷۴
هجده . ساخت و پرداخت	۷۷
نوزده . بیات شدن موضوع	۸۱
بیست . خونسرد ماندن	۸۳
بیست و یک . نشان دادن یا گفتن	۸۶
بیست و دو . عینی گرایی	۹۰
بیست و سه . شخصیت های مطلوب و نامطلوب	۹۳
بیست و چهار . ویژگی های روانشناختی	۹۶
بیست و پنج . اهمیت جزئیات	۹۹
بیست و شش . صدا یا هویت داستان	۱۰۳
بیست و هفت . پرهیز از لفاظی و انشاء پردازی	۱۰۷
بیست و هشت . کاربرد کلمه ها و جمله ها	۱۱۱
بیست و نه . تنوع شیوه نگارش یا سبک	۱۱۵
سی . املائی شکسته یا نشکسته	۱۱۸
سی و یک . خواننده وار، نویسنده وار	۱۲۲
سی و دو . باز نویسی	۱۲۴
سی و سه . توصیف ها، بن مایه ها	۱۲۸
سی و چهار . سفید خوانی	۱۳۲
سی و پنج . ویراستاری	۱۳۷
سی و شش . کلیشه ها	۱۴۰
سی و هفت . زاویه دید مناسب	۱۴۳
سی و هشت . عادت به نوشتن	۱۴۶
سی و نه . رهنمودهای راه گشا	۱۵۰
چهل . تأثیر پذیری	۱۵۴
چهل و یک . ثبات عاطفی	۱۵۸
چهل و دو . ذهن خلاق، ذهن منتقد	۱۶۲
چهل و سه . الهام	۱۶۴

- چهل و چهار. ادبیات اندوه ۱۶۷
- چهل و پنج. داستان نویس و مخاطب هایش ۱۷۰
- چهل و شش. نویسندگان و منتقدان ۱۷۴
- چهل و هفت. ارتباط داستان با نویسنده ۱۷۸
- چهل و هشت. ضرورت یادگیری ۱۸۲
- چهل و نه. شهرت ۱۸۹
- پنجاه. رؤیای نوشتن ۱۹۵
- پنجاه و یک. داستان، موجودی زنده ۱۹۸
- واژه نامه اصطلاحات ادبیات داستانی ۲۰۳

یادداشت

در جلسه داستان‌خوانی، خانمی داستانی را خواند و انتقادهای شدیدی به داستان او شد که او را آشفته کرد. خانمی بود علاقه‌مند و با پشتکار و تا حدودی آشنا به اصول داستان‌نویسی اما اینکه چرا داستان‌هایش پرایراد از آب درمی‌آمد، مرا به فکر فروبرد. به داستان‌هایی که پیش از این در جلسه خوانده بود و انتقادهای تندی که به آن‌ها شده بود، فکر کردم؛ داستان‌هایی بود تمثیلی و نمادین، بی‌آنکه کیفیت‌های مفروض این نوع داستان‌ها را تا حدود قابل قبولی داشته باشد و اشکال و عدم پیشرفت او در داستان‌هایش از همین ناآگاهی ناشی می‌شد.

نوشتن داستان‌های تمثیلی و نمادین برخلاف ظاهر آن‌ها، بسیار مشکل و پر دست‌انداز است و نویسنده‌های جوان اغلب گول همین ظاهر ساده‌شان را می‌خورند و تصور می‌کنند با ارائه یکی - دو نماد در داستان و غیر مستقیم و پرابهام از مفهوم و معنای داستان صحبت کردن، داستان تمثیلی و نمادین نوشته‌اند. از این رو، اغلب این نوع داستان‌های آن‌ها، گنگ و نامفهوم از آب درمی‌آید.

به دوستان داستان‌نویس جوانم توصیه کردم که دیگر گرد این نوع داستان‌ها نگردند و داستان‌های واقع‌گرا بنویسند. نوشتن داستان‌های واقع‌گرا

که اغلب از تجربه‌ها و مشاهده‌های نویسنده‌ها بهره می‌گیرد و شالوده‌اش بر حادثه‌ها و ریزه کاری‌های واقعی و تجربی است، نویسنده را به راه درست رهنمود می‌کند و ممکن است موفقیت داستان را به دنبال بیاورد.

این واقعه برابر آن داشت توصیه‌هایی که در جلسه‌ها به دوستان جوانم برای نوشتن می‌کنم، به روی کاغذ بیاورم و حاصلش همین کتاب شد.

یادم می‌آید که یک‌بار دیگر نیز در بیست‌و‌اندی سال پیش چنین واقعه‌ای به گونه‌ای دیگر برای من اتفاق افتاد. دوستی داستانی خواند و عدم درک نوع داستان او، انتقادهای شدیدی را به دنبال آورد و مرا به فکر نوشتن کتابی انداخت که در آن انواع داستان از گی دو موپاسانی، چخوفی، همینگوی، جیمز جویس تا بورخسی را فراهم آورم و حاصلش کتاب «جهان داستان غرب» شد.

نام این کتاب، «عرق‌ریزان روح»، را من از خطابه ویلیام فاکنر به مناسبت اهدای جایزه نوبل به او، به امانت گرفته‌ام و توصیه‌هایی که در این کتاب آمده، متنوع و رنگارنگ است. بسیاری از آن‌ها توصیه‌های نویسنده‌های بزرگ است و بعضی‌شان هم حاصل تجربه‌های من در نویسندگی است، و امیدوارم که نویسنده‌های جوان را در آغاز کارشان یاری کند. توصیه‌هایی است که اغلب بزرگان و نخبگان داستان‌نویس جهان، به جوان‌ها کرده‌اند. من برای دو تن از آن‌ها بیشتر اعتبار قائل شده‌ام و از نقل قول‌ها و توصیه‌های آن‌ها زیاده‌تر مثال آورده‌ام: آنتون چخوف و ارنست همینگوی که به نظر من راهگشای داستان‌های نوین «مدرن» شده‌اند و کمتر نویسنده‌ای در جهان است که از تأثیر و رهنمودهای آن‌ها برخوردار نشده باشد.

پرسشگر: «غیر از کافکا چه نویسنده‌ای از نقطه نظر حرفه نویسندگی و شگردهای آن به کارت آمده است؟

مارکز: «همینگوی»

«که او را به عنوان یک رمان‌نویس بزرگ قبول نداری»

«درست است، اما نوول‌هایش [داستان‌های کوتاهش] را

فوق‌العاده می‌دانم، و نصایح و کشف و شهودهایش در زمینه حرفه

نویسندگی، کمک بزرگی برای من بوده است.»^۱

توصیه‌هایی که در این کتاب جمع آمده، گاهی کوتاه شده یا تغییر و

تفصیل یافته از نوشته‌های قبلی من است و بسیاری هم تازه و برای اولین بار

گرد آورده شده است.

ممکن است بعضی از این توصیه‌هایی که من به‌طور جداگانه از آن‌ها

حرف زده‌ام، به هم وابسته باشند، یعنی یکی دیگری را به یاد آورد یا

بازتاب همدیگر باشند. مثلاً عینی‌گرایی، خونسردی در نوشتن، مفهوم‌های

نزدیک به هم دارند، و گاه از هم منتج می‌شوند؛ در صحبت جداگانه از هر

یک از آن‌ها، ممکن است مطالب مربوط به آن‌ها تکرار شود. به هر حال،

من آن‌ها را از هم جدا کرده‌ام که بر آن‌ها بیشتر تأکید کنم.

این نکته را هم یادآوری کنم که این توصیه‌ها بیشتر بر محور

ضابطه‌های پیش‌مدرن و مدرن گرد آمده است و ممکن است بعضی از آن‌ها

از نظر پسامدرنیست‌ها رد شده باشد، اما باز هم بر آن‌ها تأکید و اصرار

دارم، چون پسامدرنیسم هنوز در مرحله تجربه است، حال آنکه

جنبش‌های پیش‌مدرن و مدرن امتحان خود را پس داده‌اند و شاهکارهایی

ادبی با اصول و ضابطه‌های آن‌ها آفریده شده‌اند. پشت پا به ویژگی‌های

تثبیت شده پیش‌مدرن و مدرن زدن و ضابطه‌های آن‌ها را مردود شمردن،

نقض غرض است، به خصوص اگر در آغاز کار باشیم و به گذراندن دورانی

۱. گابریل گارسیا مارکز: بوی درخت گویا، مصاحبه با پلینیو مندوزا، ترجمه لیلی

گلستان، صفیه روحی، تهران، نشر نو، ۱۳۶۲، صص. ۳۲-۳۳

نیاز داشته باشیم، که ما را در تشخیص معنا و ساختار داستان یاری می‌کند و شناخت ما را از داستان گسترش می‌دهد.

اشاره به این نکته نیز خالی از فایده نیست، گرچه این کتاب خطابش بیشتر با نویسندگان جوان است، بر شناخت خواننده‌ها و داستان دوستان نیز می‌افزاید و لذت خواندن آن‌ها را بیشتر می‌کند. همچنین شاید بتواند مدرسه‌های داستان‌نویسی را در تدریستان یاری دهد.

در پایان از خانم عشرت رحمانپور و خانم نیکو خاکپور برای بازخوانی متن و آقای حسین کریمی مدیر انتشارات نیلوفر و آقای سعید شبستری برای نظارت دقیق ایشان بر امر حروفچینی و صفحه‌آرایی سپاسگزارم.

با آرزوی موفقیت‌های بسیار در زندگی خلاقه شما

جمال میر صادقی

اسفند ۱۳۸۷